

# تحلیل برنامه‌های آموزشی آموزشگران برنامه‌های آموزشی، ترویجی از نظر زنان روستایی استان یزد

علیرضا زارع شاه‌آبادی - عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشکاه یزد

## چکیده

برنامه‌های آموزشی - ترویجی، یکی از محورهای توانمندسازی روستاییان است که در ارائه این برنامه‌ها، آموزشگران نقش فوق‌العاده‌ای دارند. نظرسنجی از زنان روستایی، مسائل و مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی برنامه‌های آموزشگران را نشان می‌دهد. سوال اصلی این پژوهش، چگونگی نگرش زنان روستایی استان یزد در رابطه با آموزشگران برنامه‌های آموزشی - ترویجی می‌باشد. در این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده شده و جامعه آماری آن را ۱۵۴۷ نفر از زنان روستایی استان یزد (که در سال ۱۳۷۸ در ۶۴ گروه از گروه‌های درسی آموزشی - ترویجی جهاد کشاورزی شرکت کرده‌اند) تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است که در حدود ۱۰ درصد جامعه آماری (۱۵۵ نفر) به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده و در تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای استفاده شده است. یعنی به نسبت سهم هر کلاس درسی، پرسشنامه‌ها توزیع گردیده است. تحلیل آماری یافته‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای (SPSS) انجام گرفته است. براساس نتایج پژوهش، زنان روستایی استان یزد، دیدگاه مساعدی نسبت به آموزشگران برنامه‌های ترویجی ندارند؛ اما زنان روستایی راضی از محیط روستا، نظر مساعدی در خصوص آموزشگران دارند. با افزایش سطح تحصیلات، نظر زنان نسبت به متغیر مورد بحث منفی می‌شود و دختران جوان نیز نظر مساعدی نسبت به آموزشگران ترویجی ندارند.

## مقدمه

مشارکت زنان در امر توسعه، یکی از عوامل تسریع پیشرفت جامعه است. این مشارکت در عامل اشتغال، بیش از همه تاثیر گذار است. فرصت های شغلی جامعه بایستی بر مبنای شایستگی و توانایی های افراد در انجام وظایف اجتماعی به ایشان محول شود؛ اما در طول تاریخ این فرصت ها عملاً در اختیار مردان قرار گرفته که عمده ترین دلیل آن، فرهنگ حاکم بر جوامع در زمینه نقش نان آوری مردان و فرزند آوری زنان می باشد. موانع فرهنگی در عدم مشارکت زنان در توسعه نقش دارد لذا تغییر فرهنگ توسعه، تغییر میدان عمل را به دنبال دارد. فعالیت های عملی زنان در تغییر فرهنگ نامناسب توسعه، تاثیر فراوانی دارد و حضور زنان در عرصه های مختلف، زمینه ساز تحول فرهنگی مورد نظر خواهد شد. بنابراین می توان گفت که فرهنگ توسعه و حضور زنان در عرصه های مختلف توسعه، تاثیر متقابل بر یکدیگر دارد و هر چه بیشتر، جامعه را به سوی توسعه رهنمون می سازد.

تأیید از دهه ۱۹۷۰ میلادی، تصور بر این بود که فرآیند توسعه به طور یکسان بر زنان و مردان تاثیر می گذارد. در این زمان، نفوذ سرمایه داری در جهان به تجددخواهی و نابودی اقتصاد سنتی منجر شد. ناگفته پیداست که این عوامل، شدت لطمات را بر زنان در سطوح اجتماعی، طبقاتی و غیره افزایش می داد به طوری که در بخش جدید، اکثر فعالیت های اقتصادی از قبیل صنایع تبدیلی، تولید پوشاک و صنایع کارگاهی کوچک به مدت طولانی، وسیله ای برای امرار معاش زنان بود و بیشتر فعالیت های جدید و مناسب به مردان اختصاص یافت. علاوه بر این، درآمد زنان پایین تر از سطحی بود که بتوانند خود و خانواده را تأمین کنند (آصفی راد، ۱۳۸۲).

در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی این عقیده به وجود آمد که زنان می توانند در مدل و الگوهای مناسب توسعه وارد شوند بدون اینکه نیاز به تغییر اساسی در ساختار فرآیند توسعه داشته باشند. با رواج نگرش توسعه پایدار در سال ۱۹۸۰ میلادی، توجه به زنان در فرآیند توسعه انسانی وارد مرحله جدیدی شد. طرفداران توسعه انسانی پایدار بر این عقیده اند که توسعه انسانی پایدار جز از رهگذر مساوات و برابری بین جنسیت ها میسر نمی شود و تا زمانی که زنان در خارج از گردونه توسعه قرار دارند، توسعه همچنان ابتر و ناتوان خواهد ماند (زمانی پور، ۱۳۷۳).

با وجود فعالیت های ۵ ساله سازمان ملل متحد در سطح بین المللی و کشورهای عضو در خصوص ارتقای وضعیت زنان، هنوز دو سوم بی سوادان جهان را زنان تشکیل می دهند و با توجه به انجام بیش از ۶۷ درصد کارهای جهان توسط زنان (بر اساس ساعات انجام کار) فقط ۱۰ درصد درآمد آن را به خود اختصاص داده اند و کمتر از ۱ درصد دارایی های جهان در اختیار زنان می باشد.

"تینگر" با بررسی پروژه های توسعه که در آنها فاصله بین زن و مرد افزایش یافته، عقیده دارد که برنامه ریزان توانسته اند برای زنان اجتماع، نقش دوگانه ای ایجاد کنند در صورتی که مردان، فقط یک نقش دارند (زیاری و دیگران، ۱۳۷۹).

"داگلاس" (۱۹۸۹) معتقد است که فقدان برنامه های موثر به منظور بهبود وضع زنان از حلاء عمده ای نشأت می گیرد که در سیاستگذاری، سرمایه گذاری و پس انداز وجود دارد. البته این امر ناشی از عدم

شناخت کامل قابلیت زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مدتهاست که در کشورهای صنعتی، زنان نقش رسمی خود را در فعالیت‌ها و مشارکت اجتماعی و اقتصادی آغاز کرده‌اند. اما در کشور ایران، تغییرات آهسته می‌باشد و تا زمانی که زنان از دسترسی به مشارکت در فرصت‌های کاری و اقتصادی منع می‌شوند، توسعه آهنگ‌کندی خواهد داشت. بنابراین باید راه‌حلی برای تسریع این تغییرات سازمانی و ساختاری اندیشیده شود (آصفی راد، ۱۳۸۲).

مشارکت زنان، علت اصلی اصلاحات جوامع مدرن بوده است. با وقوع انقلاب صنعتی، مردان غربی دریافتند که بدون استفاده از نیروی نیمی از جمعیت جامعه (زنان)، به جایی نمی‌رسند. مشارکت زنان با هدف بهره‌برداری اقتصادی جامعه عمل به خود می‌گیرد در حالی که زنان به حقوق واقعی خود نرسیده‌اند. به هر حال، هدف آنها، توسعه اقتصادی بوده نه ایجاد عدالت و رفع نابرابری‌ها (آصفی راد، ۱۳۸۲). از نقطه نظر تاریخی می‌توان استنباط کرد که مساله لزوم مشارکت زنان در توسعه، کشف جدیدی نیست. صدها سال پیش، افلاطون از دولت‌ها خواسته تا از تمام منابع انسانی خود استفاده کنند، زنان را از تعلیماتی که مردان می‌بینند برخوردار سازند و آنها را برای مشاغل مردان آماده کنند. براساس قوانین و مقررات رسمی از برابری زن و مرد به کرات گفته شده و طبق گزارشات سازمان ملل در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی و مدیریتی در سطح جهان، شکاف عمیقی بین زنان و مردان وجود دارد و گستره این تبعیض، کل جهان است (آصفی راد، ۱۳۸۲).

### یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده در این پژوهش به طور جداگانه در دو قسمت توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات آورده می‌شود که عبارت‌اند از:

#### الف: توصیف داده‌ها

#### ۱- تحلیل وضعیت سن پاسخگویان

جدول شماره ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد	درصد فراوانی جمعی
۰-۱۴	۳	۱/۹	۱/۹
۱۵-۱۹	۴۷	۳۰/۴	۳۲/۳
۲۰-۲۴	۵۶	۳۶/۱	۶۸/۴
۲۵-۲۹	۱۸	۱۱/۶	۸۰
۳۰-۳۴	۱۵	۹/۷	۸۹/۷
۳۵-۳۹	۷	۴/۵	۹۴/۲
۴۰+	۹	۵/۸	۱۰۰

- براساس آمارهای ارائه شده در حدود ۳۲/۳ درصد پاسخگویان در گروه سنی کمتر از ۱۹ سال و ۳۶/۱ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال و ۱۷/۶ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال و ۹/۷ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۴ سال و ۱۰/۳ درصد افراد ۳۵ سال و بیشتر سن داشته‌اند. به عبارت دیگر، بیشترین فراوانی در

گروه سنی ۲۴-۲۰ و سپس ۱۹-۱۵ سال بوده و در حدود ۷۰ درصد افراد زیر ۲۵ سال بوده اند. همان طوری که مشاهده می گردد، پاسخگویان پژوهش، اغلب زنان جوان روستایی باشند که در حال حاضر یا در آینده بسیار نزدیک در اداره روستا سهیم خواهند بود. لذا توجه به نظرات آنها از اهمیت زیادی برخوردار است.

## ۲- وضعیت سطح تحصیلات

جدول شماره ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
دانشگاهی	۲	۱/۳	۱/۳
دیپلم و متوسطه	۴۳	۲۹/۷	۳۱
راهنمایی	۳۶	۲۳/۲	۵۴/۲
ابتدایی	۵۶	۳۶/۱	۹۰/۳
بی سواد	۱۵	۹/۷	۱۰۰

بر اساس جدول فوق، ۷۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی، ۲۹۷ درصد دارای تحصیلات دیپلم و متوسطه، ۲۳۲/۲ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۶/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و ۹۷ درصد افراد بی سواد بوده اند. به عبارت دیگر در حدود ۹۰ درصد افراد باسواد بوده اند که نشان می دهد، وضعیت سواد در روستا بهبود یافته؛ اما تنها ۷۳ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و تحصیلات دانشگاهی در بین زنان روستایی اندک است.

## ۳- مفید بودن مطالب ارائه شده توسط آموزشگران و مروجین

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مفید دانستن مطالب ارائه شده توسط

آموزشگران ترویجی

مفید دانستن مطالب آموزشگران	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۵	۳/۲	۳/۲
زیاد	۵	۳/۹	۷/۱
متوسط	۳۷	۲۳/۹	۳۱
کم	۷۴	۴۷/۷	۷۸/۷
اصلاً	۳۳	۲۱/۳	۱۰۰

بر اساس یافته‌های پژوهش در حدود ۷/۱ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و ۲۳/۹ درصد به میزان متوسط و ۴۷/۷ درصد به میزان کم معتقدند که مطالب ارائه شده توسط آموزشگران مفید است و ۲۷۳ درصد افراد این مطالب را مفید نمی‌دانند. تنها ۷/۱ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد مطالب ارائه شده را مفید می‌دانند و غالب پاسخگویان، نظر مساعدی در این باره ندارند.

#### ۴- رفتار همراه با خوشرویی آموزشگران نسبت به فراگیران روستایی

جدول شماره ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان خوشرو دانستن آموزشگران ترویجی

خوشرو دانستن آموزشگران ترویجی	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۳	۱/۹	۱/۹
زیاد	۱۳	۸/۴	۱۰/۳
متوسط	۳۲	۲۰/۶	۳۰/۹
کم	۵۹	۳۸/۱	۶۹
اصلاً	۴۸	۳۱	۱۰۰

مطابق جدول شماره (۴) در حدود ۱۰/۳ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و ۲۰/۶ درصد به میزان متوسط و ۳۸/۱ درصد به میزان کم معتقدند که آموزشگران رفتار همراه با خوشرویی و محبت نسبت به آموزشگران ترویجی دارند و ۳۱ درصد افراد، دیدگاهی متفاوت داشته و در حدود ۷۰ درصد افراد، نظر مساعدی در این باره ندارند.

#### ۵- مهارت آموزشگران در امور آموزشی بهره‌برداران کشاورزی

جدول شماره ۵- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان تسلط آموزشگران نسبت به کار

مهارت آموزشی آموزشگران نسبت به کارشان	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۵	۳/۲	۳/۲
زیاد	۱۵	۹/۷	۱۲/۹
متوسط	۴۳	۲۷/۷	۴۰/۶
کم	۶۲	۴۰	۸۰/۶
اصلاً	۳۰	۱۹/۴	۱۰۰

پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که در حدود ۱۲/۹ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و ۲۷/۷

درصد به میزان متوسط و ۴۰ درصد به میزان کم معتقدند که آموزشگران به کار خود تسلط کافی دارند و ۱۹/۴ درصد افراد معتقدند که به کار خود وارد نیستند. به عبارت دیگر نزدیک به ۹۰ درصد افراد، نظر مساعدی در این باره نداشته‌اند. با توجه به موارد فوق‌الذکر به نظر می‌رسد که ضرورت دارد، به منظور تربیت نیروهای آموزشگر باید سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد.

#### ۶- ارائه اطلاعات مورد نیاز توسط آموزشگران

جدول شماره ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مورد نیاز دانستن اطلاعات ارائه شده توسط آموزشگران

مورد نیاز دانستن اطلاعات ارائه شده توسط آموزشگران	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۲	۱/۳	۱/۳
زیاد	۲۲	۱۴/۲	۱۵/۵
متوسط	۴۹	۳۱/۶	۴۷/۱
کم	۶۹	۴۴/۵	۹۱/۶
اصلاً	۱۳	۸/۴	۱۰۰

تحلیل آمارها نشان می‌دهد که ۱۵/۵ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و ۳۷/۶ درصد به میزان متوسط و ۴۴/۵ درصد به میزان کم معتقدند که آموزشگران اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌دهند و ۸/۴ درصد افراد، نظر متفاوتی با دیگران دارند. داده‌ها نشان می‌دهد که اکثر افراد دیدگاه مساعدی در این باره نداشته‌اند.

#### ۷- متغیر مقبولیت مردمی آموزشگران

جدول شماره ۷- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مقبولیت و مردمی بودن آموزشگران

پذیرش و مقبولیت آموزشگران	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۲	۱/۳	۱/۳
زیاد	۱۴	۱۱	۱۲/۳
متوسط	۴۰	۲۵/۸	۳۸/۱
کم	۶۹	۴۴/۵	۸۲/۶
اصلاً	۲۷	۱۷/۴	۱۰۰

یافته‌ها نشان می‌دهد که در حدود ۱۲/۳ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و ۲۵/۸ درصد

به میزان متوسط و  $44/5$  درصد به میزان کم، عقیده دارند که آموزشگران مورد پذیرش و مقبول مردم هستند و  $17/4$  درصد افراد این دیدگاه را ندارند. تنها  $12/3$  درصد افراد، نظر مساعدی در این باره داشته‌اند.

#### ۸- به یک اندازه توجه داشتن آموزشگران نسبت به فراگیران

جدول شماره ۸- توزیع پاسخگویان بر حسب توجه یکسان آموزشگران

توجه یکسان آموزشگران به فراگیران	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۹	$5/8$	$5/9$
زیاد	۲۳	$16/8$	$22/6$
متوسط	۴۲	$27/1$	$49/7$
کم	۵۷	$36/8$	$86/5$
اصلاً	۲۱	$13/5$	۱۰۰

در حدود  $22/6$  درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و  $27/1$  درصد به میزان متوسط و  $36/8$  درصد به میزان کم، معتقدند که آموزشگران به یک اندازه به فراگیران توجه دارند و  $13/5$  درصد افراد، این دیدگاه را ندارند. تنها در حدود  $22/6$  درصد افراد به میزان بسیار زیاد و زیاد به این سوال پاسخ داده‌اند. در این رابطه به نظر می‌رسد که به منظور تربیت نیروهای آموزشگر از بعد تخصصی، کلاس داری و فنی معلمی، آموزش‌های لازم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است تا نیروهای مورد نیاز تربیت شود.

#### ۹- آموزش‌های کاربردی ارائه شده توسط آموزشگران

جدول شماره ۹- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان آموزش‌های کاربردی ارائه شده توسط

آموزشگران

آموزش‌های کاربردی	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۳	$1/9$	$1/9$
زیاد	۲۰	$14/2$	$16/1$
متوسط	۶۲	۴۰	$56/1$
کم	۵۸	$37/4$	$93/5$
اصلاً	۱۰	$7/5$	۱۰۰

بر اساس داده‌های جدول در حدود  $16/1$  درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و  $40$  درصد به

میزان متوسط و ۳۷/۴ درصد به میزان کم، معتقدند که آموزش های ارائه شده توسط آموزشگران، کاربردی است و ۶/۵ درصد افراد این آموزش ها را کاربردی نمی دانند. تنها در حدود ۱۶/۸ درصد افراد به میزان بسیار زیاد و زیاد، آموزش های ارائه شده را کاربردی می دانند. به طور کلی، اکثر افراد نظر مساعدی در این باره نداشته اند.

#### ۱۰- حضور بموقع آموزشگران در کلاس

جدول شماره ۱۰- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان حضور بموقع در کلاس

حضور بموقع آموزشگران در کلاس	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۱	۰/۶	۰/۶
زیاد	۲۳	۱۶/۹	۱۷/۵
متوسط	۳۴	۲۱/۹	۳۹/۴
کم	۷۱	۴۵/۸	۸۵/۲
اصلاً	۲۳	۱۴/۸	۱۰۰

یافته ها نشان می دهد که ۱۷/۵ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد و ۲۷/۹ درصد به میزان متوسط و ۴۵/۸ درصد به میزان کم، معتقدند که آموزشگران در کلاس حضور بموقع دارند و نظر ۱۴/۸ درصد افراد این است که حضور آموزشگران در کلاس بموقع نیست. به عبارت دیگر، تنها ۱۷/۵ درصد افراد نظر مساعدی در این باره داشته اند.

#### ۱۱- کمک به آموزشگران در حل مشکلات

جدول شماره ۱۱- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان کمک به آموزشگران در حل مشکلات

کمک به آموزشگران در حل مشکلات	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار زیاد	۲	۱/۳	۱/۳
زیاد	۹	۵/۸	۷/۱
متوسط	۲۹	۱۸/۷	۲۵/۸
کم	۶۰	۳۸/۷	۶۴/۵
اصلاً	۵۵	۳۵/۵	۱۰۰

بر اساس یافته ها می توان نتیجه گرفت که در حدود ۷/۱ درصد پاسخگویان به میزان بسیار زیاد و زیاد



و ۱۸۷ درصد به میزان متوسط و ۳۸۷ درصد به میزان کم، آمادگی خود را درخصوص رفع مشکل آموزشگران اعلام کرده‌اند و ۳۵۵ درصد افراد حاضر نیستند و نظر مساعدی در این باره نداشته‌اند. به نظر می‌رسد که آموزشگران باید جدیت بیشتری در جلب همکاری روستاییان به عمل آورند.

ب- تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش  
در این بخش آزمون، هر یک از فرضیات از طریق شاخص‌ها و متغیرهای مربوطه با توجه به نوع متغیرها و سطوح مورد سنجش در قالب عوامل و درصد‌های فراوانی تجمعی و جداول دوبعدی (توافقی) و آزمون کای اسکور (X<sup>2</sup>) و ضرایب همبستگی مورد بررسی قرار گرفته که عبارت‌اند از:  
فرضیه ۱- زنان روستایی استان یزد، آموزشگران برنامه‌های آموزشی - ترویجی را موثر و سودمند می‌دانند.

جدول شماره ۱۲- نگرش زنان روستایی استان یزد نسبت به آموزشگران برنامه‌های

آموزشی ترویجی

شخص	زیاد و بسیار زیاد	کم و اصلاً
۱- مفید بودن مطالب ارائه شده توسط آموزشگران	۷/۱	۶۹/۲
۲- رفتار همراه با خوشرویی آموزشگران نسبت به فراگیران	۱۰/۳	۶۹/۱
۳- تسلط آموزشگران به کار خود	۱۲/۹	۵۹/۴
۴- ارائه اطلاعات مورد نیاز	۱۵/۵	۵۲/۹
۵- پذیرش و مقبولیت آموزشگران	۱۲/۳	۶۱/۹
۶- توجه یکسان آموزشگران به همه	۲۲/۶	۵۰/۳
۷- آموزش‌های کاربردی آموزشگران	۱۶/۱	۴۳/۹
۸- حضور بموقع آموزشگران در کلاس	۱۷/۵	۶۰/۶
۹- کمک به آموزشگران در رفع مشکل	۷/۱	۷۴/۲

فرضیه ۲- زنان روستایی که از محیط روستا رضایت دارند، آموزشگران را مورد پذیرش مردم می‌دانند.

در این فرضیه، رضایت از محیط روستا، متغیر مستقل و پذیرش آموزشگران، متغیر وابسته می‌باشد. بین متغیر رضایت از محیط روستا و پذیرش آموزشگران آزمون کی دو (K<sup>2</sup>) و ضریب همبستگی کندال به عمل آمد.

جدول شماره ۱۳- رابطه بین میزان رضایتمندی پاسخگویان از محیط روستا و نظر آنها درباره مقبولیت و پذیرش آموزشگران برنامه‌های ترویجی

جمع	کم	متوسط	زیاد	پذیرش و مقبولیت آموزشگران
				رضایتمندی از محیط روستا
۲۱	۹	۱۰	۲	زیاد
۵۲	۳۱	۱۶	۵	متوسط
۷۷	۵۴	۱۴	۹	کم
۱۵۲	۹۶	۴۰	۱۶	جمع

$$\chi^2 = ۷/۹۸۳$$

$$d.f = ۴$$

$$P = ۰/۰۹۲$$

$$\tau_b = ۰/۱۳۵$$

با توجه به داده‌های جدول، بین متغیر رضایتمندی از محیط روستا و پذیرش آموزشگران ترویجی از نظر آماری و در سطح خطای ۰/۰۹۲ رابطه معناداری وجود ندارد و ضریب همبستگی کندال b، ۰/۱۳۵ است که بیانگر همبستگی مثبت و ضعیفی بین این دو متغیر می‌باشد. به نظر می‌رسد که زنان روستایی راضی از روستا، آموزشگران را مقبول و مورد پذیرش مردم و کشاورزان می‌دانند.

**فرضیه ۳- زنان روستایی تحصیل کرده، نظر مساعدی نسبت به آموزشگران ندارند.**  
در این فرضیه، تحصیلات زنان روستایی، متغیر مستقل و نظر آنها نسبت به آموزشگران برنامه‌های آموزشی-ترویجی، متغیر وابسته می‌باشد.

بین تحصیلات زنان روستایی و نظر آنها نسبت به آموزشگران آزمون کی دو، و همبستگی کندال (b) به عمل آمد. نتایج این آزمون بشرح زیر است:

جدول شماره ۱۴- رابطه بین میزان تحصیلات پاسخگویان و نظر آنها نسبت به آموزشگران

جمع	اصلاً	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	مورد پذیرش بودن
						تحصیلات
۴۵	۱۰	۱۸	۱۰	۴	۳	بالا
۳۶	۸	۱۵	۱۰	۲	۱	راهنمایی
۵۶	۹	۲۰	۱۸	۸	۱	ابتدایی
۱۵	۳	۷	۴	۱		بی‌سواد
۱۵۲	۳۰	۶۰	۴۲	۱۵	۵	جمع

$$\chi^2 = ۶/۲۲۶$$

$$d.f = ۱۲$$

$$P = ۰/۸۹۳$$

$$\tau_b = -۰/۰۲۶$$

با توجه به داده‌های فوق، بین تحصیلات زنان روستایی و نظر آنها نسبت به آموزشگران از نظر آماری و در سطح خطای ۰/۵۸۶، رابطه معناداری وجود ندارد و ضریب همبستگی کندال (b) ۳۶٪- می‌باشد که نشانگر رابطه منفی و ضعیف بین این دو متغیر می‌باشد؛ یعنی با افزایش تحصیلات، نظر پاسخگویان نسبت به آموزشگران منفی می‌شود.

به نظر می‌رسد که با افزایش تحصیلات زنان روستایی، نظر آنها نسبت به برنامه‌های ترویجی منفی می‌شود و این امر نشانگر آن است که سطح توقع باسوادان از کلاس‌ها، بیشتر از بی‌سوادان و کم‌سوادان است و سطح کلاس‌ها برای بی‌سوادان و کم‌سوادان تنظیم شده؛ ولی ساختار در روستاها تغییر کرده و متولیان کلاس‌های ترویجی باید این تغییرات را در نظر بگیرند تا در آینده آموزش در سطح بالاتری ارائه گردد. از طرف دیگر، بی‌سوادان و کم‌سوادان نمی‌دانند که برای تشکیل این کلاس‌ها چه هزینه‌هایی صورت می‌گیرد؛ اما آگاهی و قدرت تحلیل باسوادان آنها را به انتقاد از این کلاس‌ها وامی‌دارد. گاهی اوقات، آموزش‌ها با نیازهای روستایی مطابقت نداشته و مباحثی که در این کلاس‌ها مطرح می‌شود، روستاییان به آنها نیاز ندارند و یا به گونه‌ای مطرح می‌شود که روستاییان به آنها نیاز ندارند و یا فهم آن دشوار است. البته ناگفته نماند که امکانات لازم برای به کارگیری آموزش‌ها در روستاها فراهم نگردیده است.

**فرضیه ۴- زنان روستایی جوان، نظر مساعدی نسبت به آموزشگران برنامه‌های آموزشی - ترویجی ندارند.**

در این فرضیه، متغیر مستقل، سن زنان روستایی و متغیر وابسته، مورد پذیرش بودن آموزشگران بوده است.

بین سن زنان روستایی و نظر آنها درباره مورد پذیرش بودن آموزشگران آزمون کی دو، و همبستگی کندال (b) به عمل آمد. نتایج این آزمون‌ها به شرح زیر است:

جدول شماره ۱۵- رابطه میزان سن پاسخگویان و نظر آنها درباره مورد پذیرش بودن آموزشگران

سن	مورد پذیرش	زیاد	متوسط	کم	جمع
۱۹-۲۰	۰	۴	۱۲	۱۶	
۲۴-۲۵	۲	۳	۱۰	۱۵	
۲۹-۲۵	۱	۸	۸	۱۷	
۳۴-۳۰	۱۱	۱۱	۳۳	۵۵	
۳۵+	۲	۱۴	۳۳	۴۹	
جمع	۱۶	۴۰	۹۶	۱۵۲	

$$\chi^2 = ۱۴/۰۱۹ \quad d.f = ۸ \quad P = ۰/۰۸۱ \quad \tau_b = ۰/۰۱۶$$

با توجه به داده‌های فوق، بین سن زنان روستایی و نظر آنها نسبت به پذیرش و مقبولیت آموزشگران و سطح خطای ۰/۰۸۱، رابطه معناداری وجود ندارد و ضریب همبستگی کندال (b) ۰/۱۶ است که بیانگر رابطه مثبت و ضعیفی بین این دو متغیر می‌باشد. یعنی با افزایش سن، نظر زنان روستایی نسبت به متغیر مورد بحث، اندکی بهبود می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، تنها ۱۰/۳ درصد پاسخگویان، مطالب ارائه شده توسط آموزشگران را همراه با خوشرویی و محبت، ۱۶/۱ درصد پاسخگویان، اطلاعات ارائه شده توسط آموزشگران را کاربردی، ۱۷/۵ درصد افراد، حضور آموزشگران را در کلاس درس بموقع و ۷/۱ درصد پاسخگویان حاضرند در حل مشکلات آموزشگران به آنها کمک نمایند و ۱۲/۹ درصد افراد، آموزشگران را به کار خود مسلط می‌دانند. داده‌های فوق، بیانگر آن است که زنان روستایی استان یزد، نظر مساعدی نسبت به آموزشگران برنامه‌های آموزشی - ترویجی ندارند. همچنین، زنان روستایی که از محیط روستا رضایت دارند، نظر مساعدی نسبت به آموزشگران ترویجی دارند. از سویی با افزایش تحصیلات، نظر زنان روستایی نسبت به آموزشگران منفی می‌شود. همچنین با افزایش سن، نظر زنان روستایی نسبت به آموزشگران ترویجی، اندکی بهبود می‌یابد. به عبارت دیگر، نظر جوانان در این مورد، مساعد نیست. مهم‌ترین پیشنهادات در خصوص بهبود عملکرد آموزشگران ترویجی عبارت‌اند از:

- ۱- رفع نارسایی برنامه‌های آموزشی - ترویجی به طوری که این نارسایی و اشکالات از طریق نیازسنجی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی و آموزشگران، شناسایی و برطرف گردد.
- ۲- تربیت نیروهای کارآمد ترویجی از نظر مهارت‌های آموزشگری؛ یعنی ضروری است که سازمان‌های دست‌اندرکار ترویج از به کارگیری نیروهای متفرقه برای آموزش‌های ترویجی پرهیز نمایند و نیروهایی را به این منظور تربیت کرده و آموزش‌های تخصصی فن معلمی و کلاس‌داری را به آنها آموزش دهند.
- ۳- توجه به تحصیلات زنان روستایی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و ترویجی؛ یعنی با توجه به ارتقای سطح تحصیلات زنان روستایی و تغییر نگرش آنها نسبت به زندگی و محیط روستا می‌بایست عوامل فوق‌الذکر در برنامه‌ریزی‌های روستایی بویژه برنامه‌های آموزشی - ترویجی در نظر گرفته شود.
- ۴- توسعه آموزش رسمی و غیررسمی زنان روستایی در مزارع (مدرسه در مزرعه)؛ می‌توان نتیجه گرفت که آموزش، بیان و اساس توسعه است و برای این که زنان روستایی، نقش موثری در توسعه به عهده گیرند، گسترش و توسعه آموزش‌های رسمی و غیررسمی می‌تواند آنها را توانمند سازد.

## منابع

- ۱- آموزش و پرورش (۱۳۷۶). "جغرافیای استان یزد"، سال دوم دبیرستان، انتشارات: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تهران، صص (۵۸-۹۹)
- ۲- آصفی راد، زهرا (۱۳۸۲). "بررسی نقش زنان روستایی در پیشگیری تخریب و آلودگی محیط زیست"، مجله جهاد، شماره ۲۲۶ و ۲۲۷، جهاد سازندگی، صص (۲۵-۲۸).
- ۳- زمانی پور، اسدالله، (۱۳۷۳). "ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه"، انتشارات: دانشگاه بیرجند، صص (۵۸ و ۵۹).
- ۴- زیاری، کرامت‌اله و دیگران (۱۳۷۹). "سنجش درجه توسعه یافتگی روستاهای استان یزد"، انتشارات: دانشگاه یزد.
- ۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). "آمارنامه‌های جمعیتی استان‌های کشور"، انتشارات: طرح و برنامه آمار ایران، صص (۱۶۰-۱۸۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی